بسم الله الرحمن الرحیم

مدرسه‌نمای151-2

## یادداشت اول – مؤمنانه بخوریم!

هر چیزی آدابی دارد؛ مخصوصاً غذا خوردن که مستقیم با سلامتی و سرزنده‌بودن ما سر و کار دارد. بالاخره ما با حیوانات یک تفاوت‌هایی داریم که سر جایش باید مشخص شود. برای همین مؤمن حتماً چند چیز را در غذا خوردنش رعایت می‌کند:

* حتماً صبحانه و شام می‌خورد.
* تا گرسنه نشده، شروع به خوردن نمی‌کند و قبل از سیر شدن دست از غذا می‌کشد.
* **قبل از خوردن «بسم الله الرحمن الرحیم» می‌گوید و با نمک طبیعی غذایش را شروع می‌کند.**
* بعد از خوردن خدا را شکر می‌گوید و با نمک طبیعی غذایش را به پایان می‌رساند.
* هنگام تناول لقمه کوچک برمی‌دارد، خوب می‌جود و به دیگران نگاه نمی‌کند و با آن‌ها صحبت نمی‌کند.
* قبل و بعد از غذا دست‌هایش را می‌شوید.
* بعد از غذا خوردن لحظه‌ای دراز می‌کشد، ولی نمی‌خوابد.

**پرسش:**

مؤمن کدام وعده‌های غذایی را هیچ‌گاه ترک نمی‌کند؟

* ناهار و شام
* صبحانه و شام
* صبحانه و ناهار

## احکام –وضوی با جوراب

چون جوراب نازکی دارد، زمان مسح کشیدن آب به پوست پایش می‌‌رسد. اما چون باید دست مستقیماً به موضع مسح برسد، لازم است کمی زحمت به خودش داده و جوراب‌هایش را دربیاورد.

استفتاء از دفتر مقام معظم رهبری، بخش احکام عبادی رایج در آرایشگری، سؤال 205، سایت leader.ir

**پرسش:**

آیا می‌توان با جوراب وضو گرفت؟

1. خیر، باید جوراب را درآورد.
2. بله اشکالی ندارد.
3. بله، ولی کراهت دارد.

## ما و رسانه – ادبیات باش!

قدیم‌ها هم همین‌جوری بود. مثلاً جارچی‌های دربار بلد بودند با چه لحن و کلماتی و با چه کش و قوسی حرف‌های پادشاه را به مردم برسانند که کاملاً روی آن‌ها مؤثر باشد. یا نویسنده‌های حکومتی و غیرحکومتی یاد گرفته بودند چه‌جوری بنویسند که با کمترین کلمات، بیشترین اثر را بر خلق‌الله بگذارند. هر قدر هم علامه دهر بودند، اگر نمی‌دانستند چگونه مطلب را به مخاطب برسانند، به گوش هیچ‌کس نمی‌رسید. **ادبیات یعنی همین؛ یعنی هنر چگونه گفتن. برای رسانه‌ای بودن و رسانا بودن، باید ادبیاتی بود. باید با متناسب‌ترین لحن و شکل، بیشترین معنا و منظور را به مخاطب رساند؛ وگرنه، صرفاً باسواد بودن رسانه‌ای بودن نیست.**

**پرسش:**

ادبیاتی بودن در رسانه یعنی چی؟

1. یعنی هنر چه گفتن
2. یعنی هنر چگونه گفتن

یعنی چیزی نگفتن بسم الله الرحمن الرحیم

مدرسه‌نمای151

# حکایت – باز هم بیاشام

روزي سلمان در مدائن با مردي کنار رودخانه دجله ‌آمدند. آن مرد از آب دجله آشاميد. سلمان به او گفت: «باز ‌هم بياشام!» او گفت: «سيراب شدم، ديگر ميل ندارم.»‌ سلمان گفت: «آيا اين مقدار آبي که از رودخانه دجله ‌آشاميدي، چيزي از آن کم شد؟» او گفت: «از اين‌همه آب فراوان، مگر چيزي با نوشيدن من ‌کم مي‌شود؟» ‌ سلمان گفت: «علم و دانش نيز چنين است. هر چه از آن ‌بياموزي، چيزي از آن کم نمي‌شود. بنابراين تا توان داري ‌در کسب دانش جديت کن و از درياي علم بهره بگير.»

# پامنبری - تصمیمم را گرفته­ام...

من به طور قاطع، با اطلاعی که از وضعیت کشور دارم، قاطعاً می‌گویم: این ملت و این نسل جدید و جوان تصمیم گرفته است که دیگر تحقیر نشود، تصمیم گرفته است دنباله‌روی قدرت‌های بیگانه و دشمن نشود، تصمیم گرفته است که ایران عزیز را به اوج افتخار و عزت برساند و این توانایی را دارد؛ هم تصمیم دارد، هم عزم راسخ دارد، هم توانایی دارد و ان‌شاء‌الله به اینجا خواهد رسید.

(امام خامنه‌ای 12/7/1397)

# سیره خوبان - مسئول مردمی

شهید محراب [آیت‌الله اشرفی اصفهانی]، مراجعان به منزل را خود شخصاً پاسخ می‌داد و حتی درِ منزل را نیز در اکثر اوقات، خود به روی مردم می گشود و شخصاً از مهمانان پذیرایی می‌کرد. محل نشستن ایشان در اول اتاق بود و به هنگام گفت‌وگو سخن کسی را قطع نمی‌کرد. تلفن‌ها را خود جواب می‌داد و وقتی از نظر امنیتی به او پیشنهاد می‌شد کسی دیگر جواب تلفن‌ها را بدهد، می‌گفت:«من طلبه‌ای بیش نیستم و شأن و مقامی ندارم و از این‌گونه تشریفات متنفرم.» و می­فرمود:« زندگی امام از همه ماها ساده‌تر است. باید ساده زندگی کرد.»

وضع زندگی ایشان آن‌قدر ساده بود که نمی‌توانستند حتی از سه چهار نفر پذیرایی کنند.

(مجله سروش وحی، مهر و آبان1384، ش 19)

# برای دوستم چی بفرستم - اجتماع ظهور

می­گفت:«وقتی امام زمان (عج) ظهور کنه خودشو با اسم امام حسین (ع) معرفی می‌کنه؛ [**ای اهل عالم! جدم حسین تشنه کشته شد.**] پس حتماً وظیفه ما اینه که تا قبل از ظهور، امام حسین رو به عالم معرفی کنیم.» اربعین بهترین فرصته. جا نمونی رفیق!

# تکاپو - مطالعه بعد از کلاس در همان روز

1. یادداشت‌های روزانه کلاسی خود را به عنوان یک روش بازبینی، از نو بازنویسی کرده و 15 دقیقه برای مرور یادداشت‌های خود اختصاص دهید.

2. مفاهیم اصلی را که درکلاس آموخته‌‌اید، خلاصه‌بندی کنید و در مورد آن‌ها برای خود توضیح دهید. با ‌‌این شیوه، تقویت میزان نگهداری اطلاعات را در حافظه به طور قابل توجهی افزایش می‌یابد.

3. یادداشت‌های خود را همیشه مرور کنید.

4. یادداشت‌های خود را با یادداشت‌های دیگر دانش‌‌‌آموزان مقایسه کنید تا ضمن آگاهی یافتن از روش‌های یادداشت‌برداری دیگران، مفیدترین روش‌ها را برای خود انتخاب نمایید.

5. شما ممکن است بخواهید  از کتاب‌های درسی خود به یادداشت‌هایتان اضافه کنید تا یک منبع واحد برای مطالعه داشته باشید. برای‌ این کار از رنگ‌ها و سلیقه‌های مختلف و متنوع استفاده کنید تا بدانید چه چیزی را از معلم و کدام موارد را از کتاب یادداشت کرده‌‌اید.

# درس و بحث - **استثناها در اضافه کردن -ing**

* در صورتی که فعل به –eختم شود، پیش از اضافه کردن –ing پسوند –e حذف می‌شود (توجه داشته باشید که در صورت ختم شدن فعل به –ee، -oe یا –ye فعل بدون تغییر می‌ماند).

come – coming

agree – agreeing

* برای افعالی که پیش از آخرین حرف بی‌صدا یک حرف صدادار با صدای کوتاه و تأکیددار دارند، آخرین حرف فعل تکرار می‌شود (اگر حرف آخر w، x یا y باشد این حرف تکرار نمی‌شود).

sit – sitting

fix –fixing

# چقدر باهوشی - سرآشپز زرنگ

یک سرآشپز برای برنده شدن در مسابقه آشپزی باید ۶ استیک را در مدت ۱۵ دقیقه سرخ کند. سرخ شدن هر طرف از استیک‌ها 5 دقیقه زمان می­برد. اما نکته اینجاست که وی تنها یک ماهی‌تابه داشته و این ماهی‌تابه تنها برای ۴ استیک جا دارد. این سرآشپز چگونه می‌تواند با همین شرایط در مدت زمان قانونی استیک‌ها را سرخ کند؟

پاسخ: ابتدا یک طرف چهار استیک را سرخ کند. سپس دو تا را خارج کرده و دو استیک خام را بگذارد. بعد از ده دقیقه دو استیک پخته و چهار استیک نیم‌پخته داریم.

# کتاب خوب - رفیق مثل رسول

کتاب «رفیق مثل رسول» به زندگی و خاطرات شهید رسول خلیلی از شهدای مدافع حرم پرداخته است. با توجه به اینکه این شهید دست‌نوشته‌های زیادی دارد، کتاب از زبان خود رسول به رشته تحریر درآمده است. همچنین طیف دوستان این شهید زیاد هستند، حسن خلق رسول که آدم‌ها با هر طیف و سن و موقعیتی را جذب می‌کرده، دلیل انتخاب نام کتاب شده است. از نکات زیبای زندگی این شهید و رفاقت‌هایش این است که چندین نفر از دوستانش همانند بیضایی، محمدخانی، دهقان و... در دفاع از حرم به شهادت رسیدند و یکی از ثمرات این رفاقت‌ها بود.

پدیدآورنده: شهلا پناهی لادانی، ناشر: انتشارات شهید کاظمی، تعداد صفحات: 192، قیمت: 12000

# دانستنی‌ها - لامپ 117 ساله!

**آیا می‌دانستید** که یك لامپ در یك ایستگاه آتش‌نشانی ایالت كالیفرنیای امریكا وجود دارد که بیش از 100 سال عمر دارد و در طول این مدت روشن است؟ این لامپ برق به قدرت چهار وات از سال 1901، در ایستگاه آتش‌نشانی ناحیه لایومور به ‌طور دائم روشن بوده و اكنون 108 سال از آن زمان می‌گذرد. فرضیه‌های زیادی در مورد طول عمر این لامپ 100 ساله که اكنون شهرت زیادی در كالیفرنیا به ‌دست آورده مطرح شده است. كاركنان بازنشسته این ایستگاه آتش‌نشانی عقیده دارند این لامپ كه توسط شركت شلبی‌الكتریك‌كو ساخته شده از یك كیفیت عالی برخوردار بوده و به‌ خوبی وكیوم شده است.

# اقتصاد مقاومتی - تا لندن راهی نیست...

چقدر شلوغه! ملت مثل مور و ملخ ریخته‌اند اینجا، اما به تخفیف‌های زیادش می‌ارزد. اینجا هایپرمارکت «تا لندن راهی نیست...» است. فردا بعد از نماز عصر، حاج‌آقا مثل رستم برگشت و با حالت غضب گفت: «نماز را نباید خواند، بلکه باید اقامه کرد؛ چون خدا فرموده اقاموا الصلوة.» یکی گفت: «تکبیر، الله اکبر...» حاج‌آقا ادامه داد: «یکی از نتایج اقامه نکردن نماز، رکود است؛ یعنی نه اشتغالی است و نه تولیدی.» باز یکی با پای لخت پرید وسط حرف حاج‌آقا و گفت: «مرگ بر اسرائیل...» محله ما هم دچار رکود شده. بیایید به جای لندن، به کربلا و مشهد برویم با تقویت نیروی خودمون.

## چراغ هدایت - معبودان بی‌خاصیت

یکی از اتفاقات عجیب قدیم واردات خدا بود! پیش از میلاد رسول‌الله صلی‌الله‌علیه‌وآله، عرب‌ها هر چی خدای الکی بود دور خودشان جمع کرده بودند. اسم‌های عجیب و غریبی هم داشتند. یکی‌شان فَلس بود؛ بت قبیله طَی؛ بتی به شکل انسان در میان کوه. روزی آسیبی به او خورد. حاتم طایی منتظر شد بلایی از آسمان فرود بیاید. خبری نشد که نشد. یواشکی کنارش گذاشت. در سال نهم هجری هم لشکر اسلام بتخانه قبیله را ویران کردند. فَلس را امیرالمؤمنین سلام‌الله‌علیه درهم‌شکاند. باز هم جناب فَلس نتوانست از خود دفاعی کند. حاتم که فرار کرده بود، با آزادی خواهر اسیرش نزد پیامبر رفت. شیفته حضرت شد، به دستان ایشان مسلمان شد و دست از پرستش بی‌خاصیت‌ها برداشت.[[1]](#footnote-1)

**وَاتَّخَذُوا مِنْ دُونِهِ آلِهَةً لَا يَخْلُقُونَ شَيْئًا**[[2]](#footnote-2)

آنان غیر از خداوند معبودانی برای خود برگزیدند؛ معبودانی که چیزی را نمی‌آفرینند.

پرسش:

چرا نباید غیر خدا را پرستید؟

1. چون غیر از خدا قدرت آفرینش ندارد.
2. چون انسان نیازی به پرستش ندارد.
3. هر دو

1. سيرة النبوية، ابن هشام، ج 4، ص 578-581 [↑](#footnote-ref-1)
2. فرقان، 3 [↑](#footnote-ref-2)